



تاریخ برگزاری
۱۶ اسفند ۱۴۰۰

همایش علمی

صندوق ثروت ملی و عدالت بین نسلی



حکمرانی دریامحور در گام دوم انقلاب اسلامی نیازمند سرمایه گذاری از صندوق توسعه ملی

حبیب الله سیاری^۱، علیرضا عالی پور^۲

^۱استاد دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲دانشیار دانشگاه علوم دریایی امام خمینی(ره) نوشهر/alipoor.alireza@yahoo.com

چکیده

یکی از مباحث مورد غفلت در چهل سال اول انقلاب که در متن بیانیه گام دوم نیز به آن اشاره شده است؛ عدم استفاده از ظرفیت‌ها و منابع دریا و سواحل در کشور می باشد؛ موقعیت ژئوپلتیک دریایی ایران و همچنین ویژگی‌های ذاتی دریا در توسعه و پیشرفت همه جانبه کشور نیازمند توجه جدی و خاص به حکمرانی دریامحور در گام دوم انقلاب می‌باشد. در اساسنامه صندوق توسعه ملی تاکید ویژه بر تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود. دریا بدلیل ویژگی‌های ذاتی خود دارای ثروت‌های ماندگار، مولد و همچنین سرمایه‌های زاینده اقتصادی خصوصا در بخش اقتصاد آبی می‌باشد که در صورت عملیاتی شدن حکمرانی دریامحور، می‌توان انتظار عدالت بین نسلی را در کشور داشت در همین راستا یکی از مهمترین مؤلفه‌ها در حکمرانی دریامحور، سرمایه‌گذاری توسط صندوق توسعه ملی در راستای تسهیل مسیر حکمرانی دریامحور ایران می‌باشد. پژوهشگران با نگاه تحلیلی ضمن شناسایی ابعاد حکمرانی دریامحور ایران؛ نقش صندوق توسعه ملی در عملیاتی شدن آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف دریا در اختصاص منابع ارزی و ریالی صندوق توسعه ملی مورد غفلت واقع شده است. بنابراین پیشنهاد اصلی محققین تغییر رویکرد توسعه خشکی محور به دریامحور و سرمایه گذاری در توسعه پایدار دریامحور کشور می باشد که نیاز است صندوق توسعه ملی پیشرفت همه جانبه کشور دریایی ایران سرمایه‌گذاری نماید و تصمیم سازان و تصمیم‌گیران این صندوق برای ابعاد حکمرانی دریامحور، اعتبار لازم را از منابع درآمدی صندوق در نظر بگیرند.

کلید واژه‌ها: دریا، حکمرانی دریامحور، صندوق توسعه ملی

۱. مقدمه

در کشور ما در طول سالیان دراز، به مساله دریانوردی بسیار بی احترامی و بی اهمیتی شده است، یعنی ما آن مردمی هستیم که وقتی در یک طرف مرزمان به آب رسیدیم متوقف شدیم، برخلاف ملتهایی که وقتی به آب رسیدند، آب برایشان با خشکی یکسان بود، مثل انگلیسی‌ها! خیلی از اروپایی‌ها وقتی به آب به دریا‌هایشان رسیدند، پایشان را در قایق‌هایشان گذاشتند و مثلاً تا هندوستان آمدند! یعنی برایشان آب و خاک، هیچ فرقی نداشته است! شما ببینید چه تفاوتی ایجاد می‌کند! یعنی وقتی که آب و خاک برای ملتی تفاوت نکند، پنج قرن، شش قرن، هفت قرن از ملتهای دیگر جلوتر خواهد افتاد؛ یعنی به دریا که رسید، پایش را به دریا می‌گذارد و حرکت می‌کند! ما نه! ما وقتی به دریا رسیدیم، همان‌جا متوقف شدیم؛ ماندیم تا آن‌هایی که دریاها را تصرف کردند، بیایند و دریای ما را هم تصرف کنند و وارد خشکی ما هم بشوند! این طوری شده دیگر؛ جزیره هرمز، بندرعباس و بوشهرمان - در طول همین مرزهایی که الان دست شماسست - مدت‌ها در دست بیگانه‌ها بود (فرماندهی معظم کل قوا، ۸۶/۹/۹).

ما هفتصد هشتصد سال سابقه‌ی دریانوردی داریم. آن روزی که از بنادر خلیج فارس کشتی‌هایمان به اقصی نقاط آسیا می‌رفت، خیلی از کشورهایی که امروز در دریانوردی تبحر و شهرت پیدا کرده‌اند، اصلاً وجود قابل‌ذکری نداشتند. با این سابقه، با این توانایی‌هایی که ملت ما دارد، با این ذهن خوب، با این هوش سرشار، با این سرانگشتان مهارت‌یاب که جوان‌های ما دارند، مردم ما دارند، ما چرا باید این قدر عقب بمانیم که حالا وقتی یک دستاوردی پیدا می‌کنیم، این طور خوشحال شویم؟ در طول این قرن‌ها به ملت ما جفا شده. کی جفا کرده؟ خارجی‌ها جفا کرده‌اند؟ نه، حکمرانان فاسد. من از پرتغالی‌ها یا از هلندی‌ها یا از انگلیسی‌ها که آمدند سواحل و جزایر ما را تصرف کردند، گله نمی‌کنم؛ خوب، آنها کشورها و دولت‌هایی هستند که دنبال منافع خودشان بودند، و قدرت‌های مادی از این کارها می‌کنند؛ می‌روند هزاران فرسنگ فاصله از کشورشان دست‌اندازی می‌کنند؛ مگر شبه قاره هند را نگرفتند؟ مگر مناطق شرقی‌تر را تصرف نکردند؟ مگر امروز این کارها را در دنیا نمی‌کنند؟ گله از آنها نیست؛ گله از آن قدرت‌های فاسد و خودکامه و فاقد انگیزه و عزم است که نتوانستند حیثیت و آبروی ایران و ایرانی را حفظ کنند، تا دشمن بیاید یک روز بندرعباس را، یک روز جزیره‌ی هرمز را، یک روز قشم را، یک روز بقیه‌ی جزایر را یکی یکی از دست این ملت خارج کند و مدعی هم باشد. این، حق ملت ایران نبود (فرماندهی معظم کل قوا، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰).

این دو پاراگراف نشاندهنده نیاز به بازگشت دوباره ایرانیان به سمت دریا می باشد؛ به عبارتی حضور در عرصه دریایی در ایران گرچه فزاینده خوبی داشت، اما در سده های اخیر رکود و رختی طولانی داشته که این موجب وارد آمدن صدمات جبرانناپذیری به کشور شده است (عالی پور، ۱۳۹۷). کشور دریایی ایران نیازمند سرمایه گذاری در ابعاد مختلف دریا (منابع بستر و زیربستر دریا، بنادر، نیروی دریایی، ناوگان تجاری و...) می باشد؛ بنابراین آن چیزی که دغدغه ذهنی محققین می باشد؛ چگونگی استفاده از منابع درآمدی صندوق سرمایه گذاری توسعه ملی کشور در ابعاد حکمرانی دریامحور می باشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

➤ صندوق سرمایه ملی

تاریخچه صندوق های ثروت ملی از سال ۱۹۵۳ با راه اندازی صندوق سرمایه گذاری کویت آغاز شد. بعد از آن سایر صندوق های ثروت ملی، به عنوان یک نهادی مالی جدید در اقتصاد بین الملل، در کشورهای مختلف گسترش پیدا کردند. به طور کل تصمیم مربوط به راه اندازی صندوق ها بر مبنای چهار انگیزه اصلی جایگزینی ثروت، بهبود مازاد منابع، ضربه گیر سیکل های اقتصادی و خود بیمگی صورت گرفته است (گرفت و اوکامپو، ۲۰۰۸). به طور کلی صندوق های ثروت حکومتی (یا همان صندوق های توسعه ملی) در اغلب کشورها اهداف ذیل را دنبال می کنند:

- ایجاد حایلی در برابر نوسانات شدید قیمت مواد اولیه صادراتی مانند نفت
 - تسهیل انتقال پس انداز بین نسلی
 - ایجاد تنوع منابع درآمدی کشور از طریق سرمایه گذاری برنامه ریزی شده
 - کمک به توسعه اقتصادی از طریق تامین سرمایه گذاری در زیر ساخت هایی که علی رغم بازدهی اجتماعی قابل توجه، جلب سرمایه خارجی و یا خصوصی به آنها امکانپذیر نیست.
- طراحی مناسب صندوق های درآمد ملی و مدیریت صحیح حرکت آتی آن به کشورها کمک می کند که از بی ثباتی اقتصاد کلان جلوگیری کنند، از تحلیل رفتن بخش های غیرنفتی جلوگیری شود، نظام بودجه ای کشورها منظم و معقول شود، عدالت بین نسلی رعایت شود و نهادهای اقتصادی مانند نظام مالیاتی تقویت شوند.

صندوق توسعه ملی ایران به دنبال تجربه های موفق متعدد در سایر کشورها در زمینه مدیریت درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی با عنوان صندوق های ثروت ملی^۱ فعالیت خود را از سال ۱۳۸۹ آغاز کرد. این صندوق در کمتر از یک دهه از فعالیت خود، اولویت اصلی خود را به ارائه تسهیلات ارزی به بخش های خصوصی، تعاونی و عمومی غیر دولتی با هدف رشد تولید، افزایش صادرات و گسترش سرمایه گذاری در داخل و خارج از کشور، با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی پروژه ها، قرار داده است. این در حالی است که مطابق اساسنامه صندوق، تنها بخش کوچکی از منابع ورودی صندوق در هر سال به ریال تبدیل شده و به منظور ارائه تسهیلات ریالی نزد بانک ها سپرده گذاری می شود و این منابع نیز برای تحرک بخشی به بخش های آب و کشاورزی، صنعت و معدن، صنایع تبدیلی و تکمیلی و گردشگری در اختیار بانک های عامل قرار می گیرد تا بخش های خصوصی و تعاونی و عمومی غیر دولتی

¹ Sovereign Wealth Fund

را حمایت کند.

به دنبال ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سیاست های کلی برنامه ششم توسعه ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۵) و به رسمیت شناخته شدن استقلال صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه سالانه کشور و نیز استقلال آن در مدیریت حساب های ارزی، و در ادامه با تأیید و تصویب اساسنامه دائمی صندوق توسعه ملی، شاهد ایفای نقش کارآمدتر و پویاتر این صندوق در تحقق اهدافی همچون کمک به ثبات اقتصادی و توسعه کشور، ارتقاء سطح پس انداز بین نسلی، تسهیل جذب سرمایه خارجی، حضور موفق بخش خصوصی ایران در بازارهای جهانی و کمک به تحقق اهداف سند چشم انداز و اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید و کالای ایرانی خواهیم بود.

➤ توسعه پایدار

اصطلاح توسعه پایدار برای اولین بار در سال ۱۹۸۷ در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست با عنوان «آینده مشترک ما» مطرح شده است. در این گزارش توسعه پایدار به عنوان «توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در بر آورده ساختن نیازهایشان به مخاطره افکند»، تعریف شده است. تعریف یادشده تاکنون رایج‌ترین تعریف از توسعه پایدار بوده است. توسعه پایدار دارای سه رکن اساسی زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که مصادیق هر یک از آنها در جدول ۱ ارائه شده است (وان نروپ^۱، ۲۰۰۸).

جدول ۱: ارکان توسعه پایدار

رکن زیست محیطی	رکن اقتصادی	رکن اجتماعی
تغییرات اقلیمی، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، تنوع زیستی، کارایی انرژی، توسعه فناوری پاک، حفظ منابع طبیعی، مدیریت ائتلاف منابع، آلودگی (آب، هوا، خاک).	مصرف پایدار، تولید پایدار، پاسخگویی اجتماعی، توسعه شهری و محلی، گردشگری پایدار، یکپارچگی نگرانی‌های محیط زیستی در تصمیمگیری بازرگانی (بازرگانی سبز)، تجارت سبز.	سلامت و کیفیت زندگی و انسجام جامعه، برابری اجتماعی، جمعیت نگاری، مدیریت مهاجرت و تنوع فرهنگی، فرصت‌های برابر، انعطاف، توسعه مهارت‌ها و سرمایه انسانی

در پی برگزاری اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲، سازمان ملل متحد طی فراخوانی خواستار تلاش‌های جهانی مرتبط با تمام سطوح آموزشی برای رسیدگی به چالش توسعه پایدار شد و سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ را به عنوان دهه آموزش برای توسعه پایدار نامگذاری کرد.

می‌توان گفت توسعه پایدار دارای چهار بعد اصلی محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده که همگی در یک بافت منسجم درهم تنیده شده‌اند و به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، به طوری که نمی‌توان آنها را جدای از یکدیگر تصور نمود. در توسعه پایدار اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محیطی جامعه را در هر جا که ممکن باشد از طریق وضع سیاست‌ها، انجام اقدام‌های لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می‌شود و در هر جایی که

1. Van Nierop

تلفیق امکان ندارد به ایجاد رابطه و مبادله بین آنها، بررسی و هماهنگی این مبادله‌ها پرداخته می‌شود.

توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان می‌باشد (مehشواری، ۱۳۷۲). وقتی از توسعه پایدار صحبت می‌شود، منظور توسعه‌ای است که به بقای بشر و رفاه کامل و همه جانبه آن می‌نگرد. توسعه پایدار با تمام زنجیره‌ها، فرایندهای پویا، منابع انسانی، منابع طبیعی و نظام سخت افزاری جامعه در یک شکل تعاملی است و درصدد ایجاد تعامل بین حال و آینده، انسان و طبیعت و عدالت و رفاه بین و درون نسل‌هاست. اساسا پایداری، الگوواره‌ای است برای تفکر در مورد آینده، که در آن ملاحظات محیطی، اجتماعی و اقتصادی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی، در وضعیتی متعادل با یکدیگر قرار می‌گیرند. هدف الگوواره سنتی و قدیمی توسعه (رشد)، حصول رشد اقتصادی به هر قیمتی است در حالی که در الگوواره جدید (پایداری)، رشد کیفی با توجه به محیط زیست و عدالت اجتماعی مد نظر می‌باشد. در این رویکرد، انسان و محیط زیست او محور توسعه است و نه رشد اقتصادی با شاخص‌های کمی. تفاوت الگوواره‌های سنتی و جدید توسعه به اجمال در جدول ذیل مقایسه شده است.

انسان محور توجه توسعه پایدار است؛ و انسان‌ها سزاوار و مستحق یک زندگی سالم و مولد در هم‌سازی با طبیعت می‌باشند. ترقی و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی در دنیای امروز و سرعت تغییرات و دگرگونی در اسلوب و روش‌های علمی و تکنولوژی بسیار سریع و حیرت انگیز است و غفلت و عدم توجه کافی به آموزش‌های لازم و مناسب؛ و غفلت از هماهنگی و تطابق سطح کیفی و کمی و منابع انسانی با سطح رشد علمی و فنی هر جامعه‌ای، نهایتاً تنگناها و مشکلات عدیده‌ای را فرا راه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد خواهد نمود.

➤ توسعه پایدار دریامحور

اگر از دریا به صورت بهینه در رشد همه جانبه کشور از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علوم و فناوری دریایی استفاده شود یعنی جامعه به سمت دریا سوق پیدا کند و توسعه کشور یک توسعه دریاپایه خواهد بود. و زمانی که از منابع دریا به گونه‌ای استفاده گردد که نیازهای نسل آتی بشر نیز ارتباط معناداری با دریا داشته باشد؛ آنگاه توسعه آن جامعه، یک توسعه پایدار دریاپایه خواهد بود.

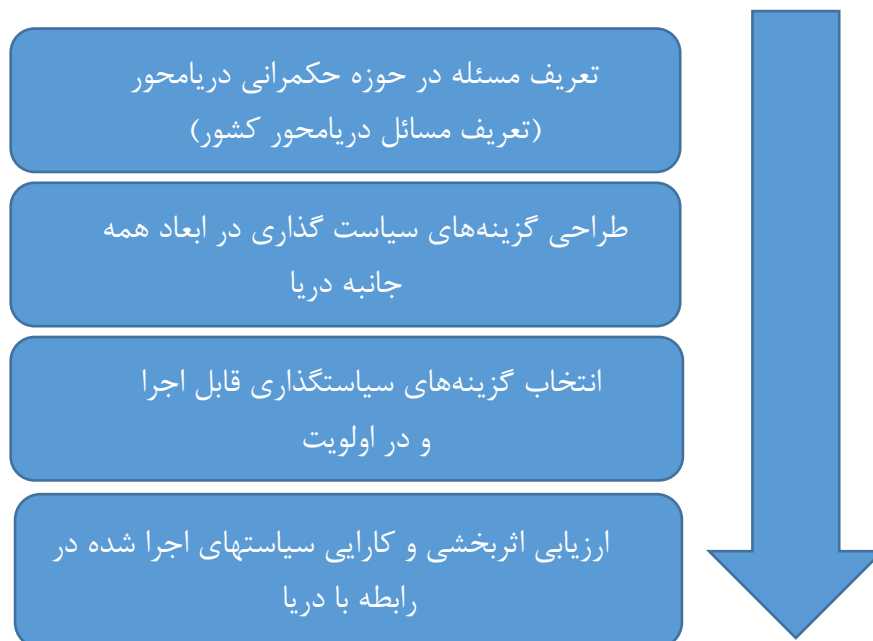
در توسعه پایدار دریاپایه، مسئله محیط زیست دریا بسیار حائز اهمیت می‌باشد. جوامع دریایی می‌بایستی به سمت توسعه دریاپایه سبز حرکت نمایند؛ این سبز بودن توسعه تاکید بر جایگاه محیط زیست در ارتباط با دریا دارد. توسعه پایدار دریا پایه، دریای ایمن و امن و دریای پاک را دنبال می‌کند.

کشورهایی که به دریا راه نداشته سعی کرده اند به نوعی با دریا ارتباط ایجاد کنند و اهداف راهبردی در دستیابی به دریا داشته باشند به عنوان نمونه: پیشرفت چشمگیر امپراتوری روسیه در قرن هفدهم میلادی مرهون تلاش‌های پترکبیر، مشهورترین تزار روسیه بود که با الگو گرفتن از کشورهای مترقی اروپایی در آن دوران نظیر آلمان، فرانسه و انگلستان، توسعه دریایی روسیه و نیز پیشرفت‌های علمی و فناوری را به عنوان اهداف راهبردی روسیه تزاری تبیین کرده بود. وی به منظور دسترسی به دریای آزاد و تسهیل تجارت با اروپا در سودای در اختیار گرفتن دریای سیاه

در جنوب و دریای بالتیک در شمال غرب با توسل به ارتش قدرتمند روسیه بود و در عین حال قوای خود را متوجه دریای خزر کرده و حتی رویای دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس را در ذهن داشت. با چنین اهدافی بود که جنگ آزوف بین روسیه و عثمانی بر سر در اختیار گرفتن بندر بزرگ آزوف در دریای سیاه درگرفت. درگیری با اهمیت دیگر ارتش پترکبیر، جنگ شمال بود که با سوئد برای دستیابی به سواحل دریای بالتیک درگرفت که سرانجام با امضای قرارداد صلح بین روسیه و سوئد، کنترل بخش هایی از لتونی و استونی، دو منطقه در دریای بالتیک، به دست روسیه افتاد. پترکبیر در سال ۱۷۰۳ میلادی تصمیم گرفت در باریکه‌ای باتلاقی که در طول ساحل دریای بالتیک به تصرف خود درآورده بود، یک شهر جدید و بزرگ بنا کند که سن پترزبورگ نام گرفت. با تلاش جانفروسی هزاران کارگر، سن پترزبورگ به بندری بزرگ برای تجارت بین روسیه و اروپا تبدیل شد و در دو قرن بعدی تاریخ روسیه، به صورت پایتخت روس‌ها درآمد. به دیگر سخن، پترکبیر برای دستیابی به اهداف راهبردی مدنظر خود که مهمترین آنها تبدیل امپراتوری روسیه به یکی از دول بزرگ اروپایی بود، یک نقشه راه ترسیم کرده بود، یکی آنکه کوشید مرزهای روسیه را تا دریای آزاد گسترش دهد و دیگر آنکه تمدن غرب را به روسیه وارد کند. پیشرفت در عرصه دریایی بیش از پنج قرن است که توانمندی جهانی را برای کشورهای پیشرو در این زمینه به ارمغان آورده است. رویکردهای جهانی نشان‌دهنده توجه کشورها به دریا به عنوان محور توسعه و اقتدار است.

➤ حکمرانی دریامحور

در زمینه خط مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری رویکردهای مختلفی وجود دارد (Sabatier, 2014)؛ با توجه به ویژگی‌های دریا؛ می‌توان یک رویکرد مرحله‌ای را در حکمرانی دریامحور پیاده‌سازی کرد



شکل ۱: رویکرد مرحله‌ای در حکمرانی دریامحور

۳- تحلیل

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی بوده که ضمن بررسی مبانی نظری در حوزه دریا، توسعه پایدار و حکمرانی دریامحور و همچنین در مصاحبه با خبرگان علوم دریایی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها؛ ابعاد حکمرانی دریامحور و نقش صندوق توسعه ملی در عملیاتی شدن آنها را مورد بررسی قرار داده است.

➤ حکمرانی دریامحور و تخصیص منابع صندوق توسعه ملی کشور

• جایگاه دریا در توزیع ارزی صندوق توسعه ملی

با بررسی بعمل آمده، یکی از بخش‌هایی که کمترین منابع دریافتی را از صندوق توسعه ملی داشته است؛ حوزه دریا می باشد؛ علی رغم تاکید بر اهمیت دریا و همچنین خصلت ذاتی دریا در راستای ایجاد عدالت بین نسلی؛ بنظر نیاز به یک بازنگری اساسی در فرایند تخصیص اعتبارات در صندوق توسعه ملی می باشد. در هیچکدام از راهبرد، سیاست‌ها و اقدام‌های اساسی صندوق توسعه ملی در سال ۱۴۰۰؛ نیز صحبتی از دریا نشده است. با بررسی توزیع بخشی منابع ارزی صندوق در ده سال اخیر، به خوبی جای خالی دریا مشخص است (جدول ۲).

جدول ۲: توزیع بخشی منابع ارزی صندوق از محل قراردادهای عاملیت ارزی به تفکیک مراحل تامین مالی طرح های فعال از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۹ (مبالغ به میلیون دلار / سهم به درصد)

بخش اقتصادی	اعلام وصول شده			مصدود شده			کنایش اعتبار شده			پرداخت شده		
	مبلغ	سهم از کل	تعداد طرح	مبلغ	سهم از کل	تعداد طرح	مبلغ	سهم از کل	تعداد طرح	مبلغ	سهم از کل	تعداد طرح
زیربخش اقتصادی	استخراج و انتقال نفت و گاز	۱۳,۹۱۴	۴۱	۱۲	۱۳,۳۵۲	۴۲	۱۲	۹,۷۱۴	۴۴	۱۲	۱۲	
	پالایشگاه‌دافت و گاز)	۴,۱۰۱	۱۲	۷	۴,۰۶۳	۱۴	۷	۳,۷۱۷	۱۷	۷	۷	
	پتروشیمی بالادستی	۳,۴۵۸	۷	۹	۱,۴۴۳	۵	۹	۵۲۷	۲,۴	۹	۹	
	سایر صنایع	۴۵۰	۱,۳	۳۱	۴۲۶	۱,۴	۳۰	۳۷۷	۱,۷	۳۰	۳۰	
	صنایع نساجی	۱۷۸	۰,۵	۱۶	۱۶۸	۰,۶	۱۶	۱۵۱	۰,۷	۱۶	۱۶	
جمع	۲۱,۱۰۱	۶۲	۷۵	۱۸,۴۵۲	۶۳	۷۴	۱۴,۴۸۷	۶۵	۷۴	۷۴		
صنعت و معدن	نیروگاه	۴,۶۰۳	۱۳,۶	۴۶	۴,۴۳۰	۱۵	۴۶	۲,۹۱۲	۱۳	۴۵	۴۵	
	آهن و فولاد	۳,۲۱۹	۹,۵	۳۹	۲,۷۲۳	۹,۲	۳۹	۱,۷۸۹	۸	۳۹	۳۹	
	صنایع چوب، کاغذ و سلولزی	۷۵۸	۲	۱۵	۳۹۰	۱,۳	۱۵	۲۲۳	۱	۱۳	۱۳	
	صنعت خودرو	۵۷۱	۱,۷	۸	۱۹۳	۰,۷	۸	۹۴	۰,۴	۶	۶	
	مصالح ساختمانی	۴۱۹	۱,۲	۳۷	۴۰۵	۱,۴	۳۷	۳۴۲	۱,۵	۳۶	۳۶	
	صنعت شیشه و چینی	۲۳۵	۰,۷	۸	۲۳۱	۰,۸	۸	۲۱۰	۰,۹	۸	۸	
	دارو و تجهیزات بهداشتی و درمانی	۲۲۴	۰,۷	۱۲	۱۶۰	۰,۵	۱۲	۱۲۸	۰,۶	۱۲	۱۲	
	سایر فلزات و محصولات فلزی	۲۰۳	۰,۶	۵	۲۰۲	۰,۷	۵	۱۶۸	۰,۸	۵	۵	
	صنایع نساجی	۸۱	۰,۲	۷	۷۲	۰,۲	۷	۶۶	۰,۳	۷	۷	
	صنایع دریایی	۶۷	۰,۲	۱	۶۷	۰,۲	۱	۳۳	۰,۱	۱	۱	
آب و کشاورزی	تولید ماشین آلات و صنایع الکترونیک	۶۶	۰,۲	۶	۶۵	۰,۲	۶	۶۲	۰,۳	۶	۶	
	سایر صنعت	۲۹	۰,۱	۵	۲۹	۰,۱	۵	۲۷	۰,۱	۵	۵	
	معدن	۹	۰,۰۳	۲	۸	۰,۰۳	۲	۹	۰,۰۴	۲	۲	
	جمع	۱۰,۴۸۴	۳۱	۱۹۱	۸,۹۷۵	۳۰	۱۹۱	۶,۰۶۵	۲۷	۱۸۵	۱۸۵	
	آب شیرین کن	۶۱۷	۱,۸	۷	۵۹۵	۲,۰	۷	۴۷۴	۲,۱	۷	۷	
	صنایع غذایی	۵۲۹	۱,۶	۳۳	۴۸۸	۱,۷	۳۳	۳۸۶	۱,۷	۳۳	۳۳	
	حمل و نقل	۱,۱۷۶	۳,۵	۵	۹۷۰	۳,۳	۵	۸۷۸	۳,۹	۵	۵	
	خدمات	۵۱	۰,۱	۴	۴۲	۰,۱	۴	۴۲	۰,۲	۴	۴	
	جمع	۱,۲۲۷	۳,۶	۹	۱,۰۱۲	۳,۴	۹	۹۲۰	۴,۱	۹	۹	
	جمع کل	۲۳,۹۵۷	۳۱,۵	۳۱۵	۲۹,۵۲۲	۱۰۰	۳۱۴	۲۲,۳۳۱	۱۰۰	۳۰۸	۳۰۸	

ترکیب بندی اقتصادی طرح های ارزی نشان می دهد که اختصاص منابع در حوزه دریا، صرفا در بخش صنایع دریایی بوده که آن هم سهم ناچیزی داشته است؛ (جزء سه رتبه آخر صنایع در بخش صنعت و معدن)

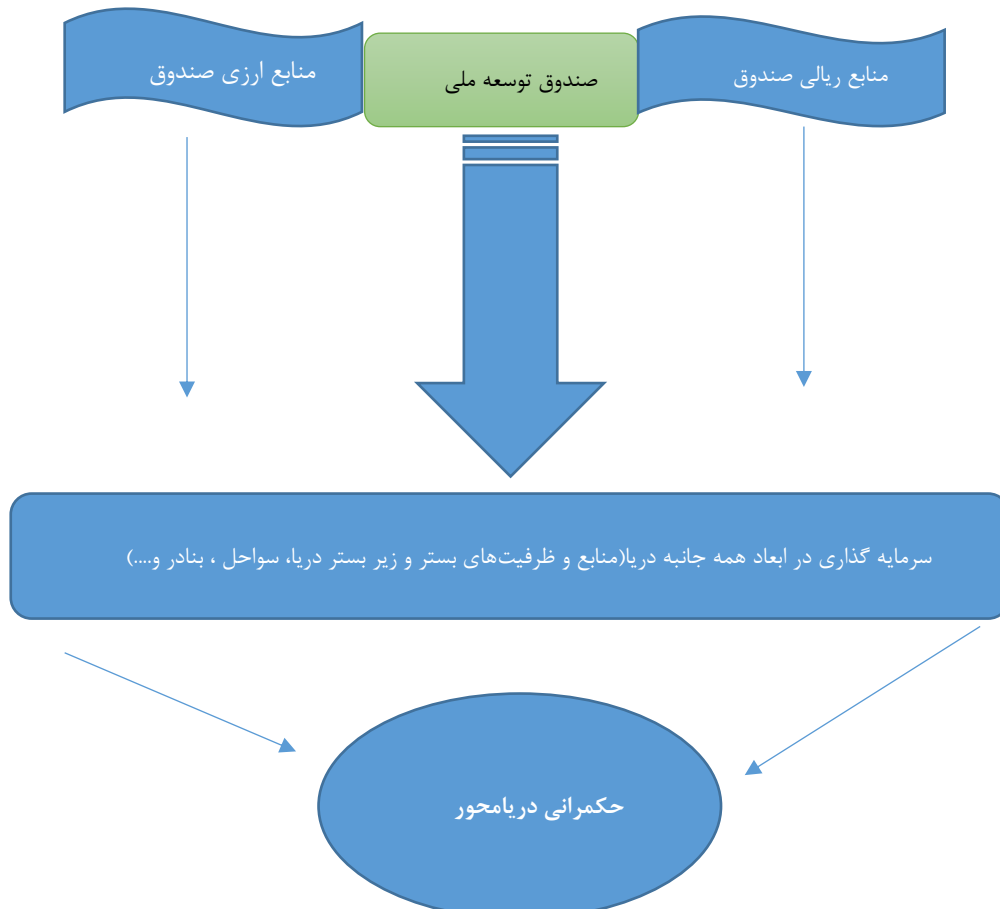
• **مفغول واقع شدن دریا در اولویت های ریالی صندوق توسعه ملی**

در اجرای جزء (۷) بند (ب) ماده ۱۶ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور، فعالیت های واجد اولویت پرداخت تسهیلات ریالی صندوق توسعه ملی در سه بخش جای می گیرد:

- ✓ صنعت و معدن (طرح ها و فعالیت های تولیدی، طرح و فعالیت صادراتی، طرح و سرمایه گذاری ایجاد و توسعه زیرساخت های حمل و نقل ریلی)
- ✓ گردشگری (احداث هتل ها، مراکز اقامتی، تفریحی و مجتمع های بین راهی)
- ✓ آب و کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی (احداث گلخانه، صادرات محصولات کشاورزی، بخش شیلات، توسعه واحدهای دامپروری، طرح های زیست محیطی و منابع طبیعی، خدمات مکانیزه کشاورزی، بهره وری مصرف آب، کشت گیاهان دارویی، سرمایه در گردش طرح های تولیدی)

متأسفانه دریا و ابعاد مختلف آن برای سرمایه گذاری، جایگاهی در اولویت های ریالی صندوق توسعه ملی ندارد.

سرمایه گذاری صندوق توسعه ملی مسیر حکمرانی دریامحور را تسهیل خواهد کرد. با شناسایی ابعاد حکمرانی دریامحور، می توان از منابع ارزی و ریالی صندوق برای توسعه همه جانبه دریا در کشور استفاده کرد و می توان انتظار عدالت بین نسلی را نیز داشت.



شکل ۲: صندوق توسعه ملی و حکمرانی دریامحور

➤ ابعاد حکمرانی دریامحور و نقش صندوق توسعه ملی در عملیاتی شدن آن

بعد اول: شخصیت دریایی دولتمردان و فرهنگ دریایی مردم: نگارندگان تأکید بر شناخت اهمیت

دریا نگاه مسئولین و حاکمان را دارند. به عبارتی این یک الزام ملی برای کشور می باشد که مسئولین و دولتمردان موضوع دریا، قدرت دریایی، نیروی دریایی و حکمرانی دریامحور را درک کرده باشند. با درک جایگاه دریایی در حکمرانی می توان انتظار داشت که از صندوق توسعه ملی برای تقویت ابعاد همه جانبه دریا استفاده کند.

در نظریات ژئوپلتیکی و خصوصاً نظریه قدرت دریایی آلفردماهان تأکید بر شخصیت دولت دارد؛ ماهان پیوسته در تمام نوشته هایش از دولت ایالات متحده می خواهد که اهمیت دریا و نیروی دریایی به عنوان یک امر ملی را به طور کامل درک کنند (طحانی و سیاری، ۱۳۹۰). همچنین جامعه دریایی نیازمند درک کامل از دریا، منابع و ظرفیت‌های آن و تاثیر آن در توسعه داشته باشد و به عبارتی دریا در زندگی مردم نقش اساسی داشته باشد و رابطه معناداری بین مردم و دریا باشد.

با بررسی تجربه کشورهای دارای منابع غنی مشخص شده است که موفقیت کشورها در دستیابی به نظم و انضباط مالی و سرمایه بین نسلی از طریق ثبات و یا پس انداز به توانایی آنها برای جلوگیری از تغییر بودجه یا قواعد صندوق‌های درآمد ملی توسط دولت‌هایشان بستگی دارد. نهادهای قوی و مستقل که بتواند بر میزان تبعیت دولتها از قواعد صندوق نظارت کند در بیشتر کشورهای درحال توسعه وجود ندارد. در نتیجه این دولتها ممکن است قواعد صندوق را نادیده بگیرند و منابع آن را صرف منافع سیاسی کوتاهمدت خود کنند. یک صندوق درآمد ملی اگر به خوبی طراحی شده باشد به طور خودکار نمی تواند انگیزه‌های سیاسی دولت را تغییر دهد (ولتانگ و لونگ، ۲۰۰۶). بنابراین داشتن شخصیت دریایی دولتمردان می تواند کمک در تقویت برنامه های توسعه دریامحور کشور داشته باشد.

بعد دوم: رویکرد توسعه پایدار دریامحور در برنامه های پنج‌ساله توسعه کشور

توسعه دریامحور یک دیدگاه کلان است. بدین معنی که به دریا و به تبع آن، به نوارهای مرزی دریایی بیشترین وزن ممکن در برنامه ریزی کلان اقتصادی داده شود (داجمر، ۱۳۹۱).

توسعه دریامحور «به عنوان یکی از آرمان‌های مترقی کشورهای توسعه یافته در دهه‌های انتهایی قرن بیست و دهه ابتدایی قرن بیست و یکم میلادی مورد تعریف و تأکید بوده است. در برهه کنونی "توسعه دریا محور" به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار ملل شناخته شده و اغلب کشورهای دریاکاران (اعم از توسعه یافته و یا درحال توسعه) در راستای نیل به این آرمان، اقدام به توسعه خط مشی و اتخاذ سیاست های راهبردی نموده‌اند (امامی، ۱۳۹۱).

اگر از دریا به طور مؤثر در ارتقاء اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، ملی و منطقه ای بهره‌گیری شود یعنی به سمت دریا سوق پیدا شدن به معنای توسعه پایدار بر محور دریا می باشد. بنابراین اختصاص

منابع صندوق توسعه ملی بر ارتقا ابعاد توسعه پایدار دریامحور می تواند مسیر حکمرانی دریایی ایران را تسهیل نماید. در کشورهایی که به دریا را دارند، توسعه پایدار، توسعه دریا محور می باشد؛ به عبارتی کشورهای که با دریا ارتباط دارند؛ از دریا به عنوان یک مؤلفه اصلی در توسعه پایدار استفاده نموده اند، بنابراین کشور دریایی ایران برای حرکت به سمت توسعه پایدار دریامحور نیازمند سرمایه گذاری وسیع در ابعاد اقتصاد دریامحور، محیط زیست دریایی و فرهنگ دریایی کشور می باشد که صندوق توسعه ملی می تواند نقش اثرگذاری در توسعه پایدار دریامحور داشته باشد.

بعد سوم: ایجاد و توسعه شهرهای ساحلی

مناطق ساحلی به دلیل دسترسی به آب و مجاورت با زمینهای حاصلخیز به شکلی تاریخی ارائه دهنده امکانات مناسبی برای توسعه بوده اند. جذب جمعیت در این مناطق هیچگاه متوقف نشده و گسترش شهرنشینی در آن بسیار سریع است. هم اکنون نزدیک به نیمی از جمعیت جهان در ۶۰ کیلومتری خطوط ساحلی زندگی می کنند و پیشبینی می شود این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۴ میلیارد نفر افزایش یابد (Voula, 2015: 8). این روند افزایش جمعیت در مناطق ساحلی با رشد شهری شدن همرا بوده است. به گونه ای که سیستمهای ساحلی، شهریتیرین سیستم در مقایسه سایر سیستمها می باشد. مطابق بررسیها ۶۹/۴ درصد جمعیت ساکن در مناطق ساحلی، شهرنشین بوده و تراکم جمعیتی آن به سبب دسترسی به فرصتهای حمل و نقل و خدماتی که سیستم ساحلی ارائه می دهد تقریبا به میزان ۴۵ درصد بیش از متوسط تراکم مناطق شهری در دنیا است (Marsousi and Sadat Hosseini, 2008: 116). اما در ایران چهره اغلب شهرهای ساحلی فقیرانه، با معماری نامنظم، غیر جذاب، نامناسب و با حداقل امکانات است.

نیاز هست که صندوق توسعه ملی ایران اهمیت ایجاد و تقویت شهرهای ساحلی در دستور کار خود قرار دهد چرا که کشور دریایی ایران نیازمند شهرهای ساحلی و فاخر می باشد که کمبود منابع مالی یکی از مهمترین دلایل عدم توسعه یافتگی شهرهای ساحلی ایران می باشد. توسعه و ایجاد شهرهای ساحلی در شمال و جنوب کشور می تواند کارکردهای شهری، منطقه ای، ملی و جهانی داشته باشد و حکمرانی دریامحور ایران را تقویت نماید.

بعد چهارم: کرانهها، پسرانهها و سواحل (صنایع دریایی، توریست و...)

کرانهها و پسرانهها و سواحل از نقاط استراتژیک بوده که دارای قابلیت های طبیعی، گردشگری، تجاری، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی هستند. از طرفی اقتصاد مناطق ساحلی یکی از مهمترین ابزارهایی است که امکان مقایسه و بررسی روند توسعه را ممکن می سازد (مدنی، ۱۳۹۱). با سرمایه گذاری در قابلیت های کرانهها، پسرانهها و سواحل و استفاده از منابع صندوق توسعه ملی، می توان شاهد رونق اقتصاد آبی و

تقویت بنادر بود که نشانه‌هایی از حکمرانی دریامحور می‌باشد.

بعد پنجم: بنادر اصلی و تخصصی (نسل‌های جدید بنادر)

بنادر به دلیل اینکه اصلی‌ترین دروازه‌های ورود و خروج کالا در پهنه یک سرزمین به شمار می‌روند، می‌توانند نقش قابل توجهی در شکل دهی و تحول ساختار فضایی یک سرزمین ایفا نمایند. در عین حال بنادر نقش موثر در تقویت زنجیره تامین کالا و توسعه فضایی در پسرانه‌ها دارند (پورآقایی و همکاران، ۱۳۹۵). با تغییر کاربرد بنادر و تبدیل آنها از بارانداز و انبار نگه‌داری کالا به بازار کالا و محل‌هایی برای پردازش، فرآوری، تغییر، تبدیل، توزیع و ترانزیت کالا، فعالیت‌های خدماتی، صنعتی و بازرگانی اهمیت بنادر در اقتصاد جهانی دو چندان شده است. کشورهایی که موفق به هماهنگ کردن بنادر خود با روند جدید اقتصاد جهانی شده‌اند و با سرمایه‌گذاری و مدیریت، بنادر را از حالت بارانداز خارج کرده و آن را به شکل بنگاه اقتصادی در آورده‌اند از منافع آن نیز در اقتصاد کشور خود بهره‌مند شده‌اند (ESCAP, 2007).

بنادر در سیر تحول خود و به خصوص در یک سده اخیر با تغییر نوع حکمرانی خود از بنادر خدماتی و کاملاً دولتی و عام‌المنفعه (که وابستگی کامل به بودجه دولت‌ها داشته‌اند)، به سمت بنداری کاملاً خصوصی و اخیراً به مشارکت دولتی و خصوصی سوق داده شده‌اند. این حرکت همراه با تغییر در ماهیت جایگاه بنادر در اقتصاد کشور از ارگان‌های دولتی و متکی به بودجه دولت به بنگاه‌هایی اقتصادی متکی بر اقتصاد بازار بوده است. بدین معنا که بنادر دیگر مجموعه‌ای خدماتی که منتظر ورود کالا و کشتی به بندر باشند نبوده و خود به دنبال جذب کالا هستند. امکان بروز این تغییر ماهیت و رویکرد در بنادر مختلف حسب موقعیت جغرافیایی و زیرساخت‌های موجود برای توسعه حوزه نفوذ آنها و برای برقراری ارتباط با مراکز بار در کشور و خارج از آن در آن سوی آب‌ها و آن سوی مرزهای خشکی متفاوت است و موجب می‌شود که بنادر بتوانند ارتقا یافته و در نسل‌های متفاوتی نقش‌های جدیدی را به عهده گیرند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰).

کشور دریایی ایران تقریباً دارای ۱۳ بندر مهم در شمال و جنوب بوده و از طرفی نیازمند سرمایه‌گذاری برای ایجاد بنادر جدید و همچنین حرکت به سمت نسل جدید بنادر در کشور می‌باشد؛ با توجه به تقسیم بندی بنادر از نسل یکم تا نسل پنجم و برابر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، اکثر بنادر ایران نسل یکم و دوم می‌باشند و بنابراین حرکت به سمت بنادر نسل سوم تا پنجم با حمایت صندوق توسعه ملی امکان‌پذیر خواهد بود.

بعد ششم: دانایی و توانایی دریایی

اهمیت دانایی و توانایی محوری در جهان کنونی که هر روز علوم و تخصص‌های جدیدی پا به عرصه می‌گذارند و گوی سبقت را در هر زمینه‌ای می‌ربایند بیش از پیش خودش را نشان می‌دهد. امروزه علوم وقتی اثر خود را نمایان می‌کنند که در میدان عمل بتوان از آنها استفاده نمود. در عصر ورود فناوری‌ها و تکنولوژی‌های جدید، این توانایی به همراه دانایی است که عامل قدرت تعریف می‌شود. یعنی جمعیت دانا و

توانا است که عامل قدرت می‌شود، جمعیتی که با وجود کم بودنش می‌تواند تحرک ایجاد کند. به عنوان مثال رژیم اشغالگر صهیونیستی جمعیتی حدود ۷ میلیون دارد که ۲ میلیون از آنها را نیز اعراب تشکیل می‌دهند، آیا قدرت جمعیت ۵ میلیونی رژیم صهیونیستی بیشتر است یا جمعیت ۲۰۰ میلیونی بنگلادش؟ جمعیت عامل قدرت هست اما جمعیتی که باسواد، ماهر، آموزش دیده و متخصص و به عبارتی دانا و توانا باشد، زیرا این دانایی و توانایی است که برای هر کشوری قدرت ایجاد می‌کند و باعث ایجاد امپراطوری‌ها می‌شود، کشورهای که به یک سطح خاصی از دانایی و توانایی نرسیدند، به هیچ وجه نمی‌توانند شکل گرفته یا ادامه حیات دهند.

بنابراین کشورهای دریایی برای دانایی و توانایی دریایی سرمایه‌گذاری عظیمی می‌نمایند چرا که جامعه دریایی؛ دارای دو ویژگی دانایی دریایی و توانایی دریایی می‌تواند عامل حکمرانی دریامحور باشد. کشور دریایی ایران برای آموزش‌های علوم دریایی و به عبارتی برای تقویت دانایی دریایی جمعیت نیازمند سرمایه‌گذاری در آموزش‌های علوم دریایی از مهدکودک تا دوران تحصیلات تکمیلی می‌باشد. همچنین با توجه به تنوع مهارت‌های دریایی و توانایی مورد نیاز برای مشاغل دریایی، جامعه نیازمند حمایت‌های مالی صندوق توسعه ملی می‌باشد. میبایستی متناسب با روند رشد جمعیت و همچنین تنوع سنی آنان برنامه ریزی‌های لازم انجام گیرد. صندوق توسعه ملی می‌تواند در تقویت دانایی و توانایی دریایی جامعه اثرگذار باشد؛ بنظر می‌رسد کشور ایران نیازمند یک برنامه ریزی منسجم برای اجرای آموزش‌های علوم دریایی از مقاطع قبل از دانشگاه تا دوره‌های تحصیلات تکمیلی می‌باشد؛ استقلال آموزش‌های علوم دریایی در کشور یک گام اساسی برای ایجاد دانایی و توانایی دریایی در کشور می‌باشد.

بعد هفتم: پژوهش و فناوری‌های دریایی

دریا عرصه فناوری‌های بسیار پیچیده و سخت می‌باشد؛ بسیاری از پژوهش‌های علوم دریایی در لبه دانش و به عبارتی حوزه مرزشکنی دانش قرار دارند؛ به منظور داشتن حکمرانی دریامحور؛ انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی و همچنین پژوهش‌های فناورانه نیازمند حمایت‌های مالی جدی در این حوزه می‌باشد. بسیاری از خبرگان معتقدند که فناوری‌های دریایی جزء پیچیده‌ترین فناوری‌های روز دنیا می‌باشند که در صورت حرکت کشور به سمت تولید فناوری‌های دریایی؛ مسیر حرکت در مرز دانش امکان پذیر بوده و سرریز فناوری‌های دریایی به سایر فناوری‌ها و صنایع کشور نیز اثرگذار خواهد بود. منابع صندوق توسعه ملی می‌تواند اثرگذاری مهمی در ایجاد فناوری‌های دریایی کشور داشته باشد.

بعد هشتم: نیروی دریایی

یکی از مهمترین مؤلفه‌ها در عملیاتی نمودن حکمرانی دریامحور، داشتن نیروی دریایی قدرتمند و مسئولیت پذیر در کشور می‌باشد؛ می‌توان مسئولیت‌های نیروی دریایی در راستای حکمرانی دریامحور را به شرح زیر بیان کرد:

➤ مسئولیت سیاسی در دریا: منظور از سیاست دریایی، توانایی اعمال حاکمیت یک کشور بر آبهای تحت حاکمیت به منظور حفظ منافع ملی کشور و ارتقای آنان است. تقویت کننده و نگهدارنده استقلال سیاسی کشور در دریا، نیروی دریایی معقول می باشد.

➤ مسئولیت اقتصادی در دریا: امنیت اقتصاد اقیانوسی در حکمرانی دریامحور دارای جایگاه ویژه می باشد؛ منظور از امنیت اقتصادی در دریا محیطی است که در آن سیاست اقتصادی قابل اعمال توسط دولت‌ها از دریا به عنوان ابزاری برای بالا بردن درآمد و کسب سرمایه استفاده کند، سیاست اقتصادی یک کشور در دریا محور، مانند سیاست خارجی آن باید مبتنی بر پیشرفت در ارتقای سطح درآمد ملی ناشی از دریا باشد، و این اقتصاد دریایی نیاز به یک زیربنای بسیار مهم و آن هم امنیت دریایی است که مسئولیت نیروی دریایی در این حاکمیت اقتصادی دریامحور بسیار مشهود می باشد.

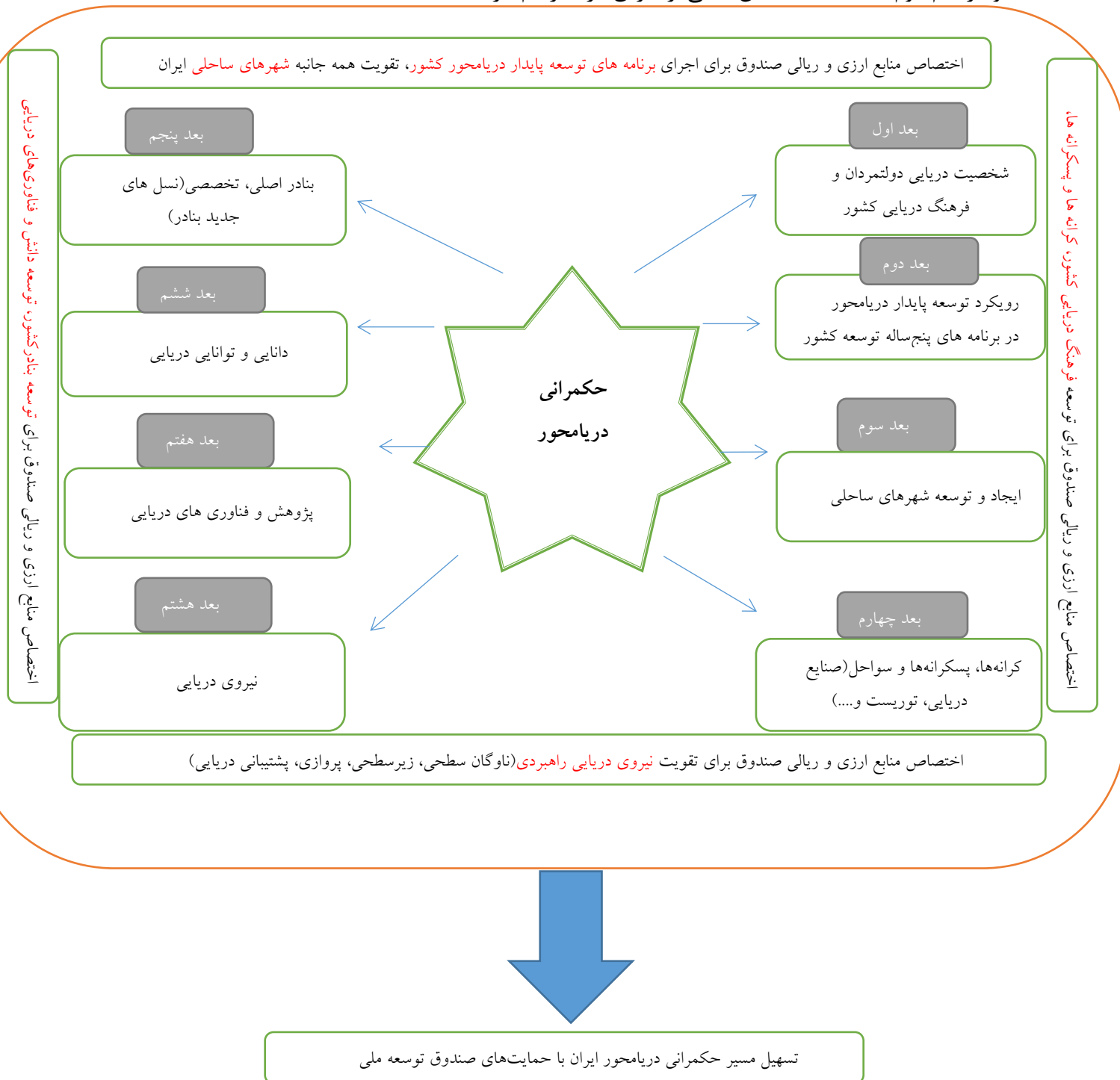
➤ مسئولیت ژئوپلیتیکی: نیروی دریایی؛ بستر لازم به منظور استفاده بهتر از ابزار جغرافیا برای حفظ یا ارتقای منافع ملی را فراهم می کند.

بنابراین منابع صندوق توسعه ملی می بایستی در تقویت همه جانبه نیروی دریایی (از ساخت ناو هواپیمابر، زیردریایی هسته‌ای گرفته تا واحدهای شناور سطحی، زیرسطحی، پروازی و...) اختصاص یابد تا به معنای واقعی کلمه امنیت دریایی ایجاد گردد و منظور از امنیت دریایی در یک کشور دریامحور، به کارگیری مطلوب و بهینه مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی است که با وجود یک نیروی دریایی قدرتمند و متناسب با منافع ملی در سطح کلان تأمین خواهد گردید.

نتیجه گیری

تحقق حکمرانی متعالی اسلامی در گام دوم انقلاب نیازمند مشارکت و تعهد کلیه عناصر ذیربط؛ عامه مردم، نهادها و دستگاه‌های حکومتی به این مهم می‌باشد و این مشارکت و همدلی نیازمند فرهنگ سازی، گفتمان سازی و ارتقا دانش و مهارت در ابعاد مختلف حکمرانی می باشد؛ از طرفی به جهت دریایی بودن کشور و قابلیت‌ها و ویژگی‌های مختص محیط دریا نیازمند یک نگاه ملی به دریا می باشد؛ به عبارتی بهره برداری از دریا و منافع آن نیازمند اختصاص منابع از طریق صندوق توسعه ملی می باشد. حکمرانی دریامحور در کشور ایران به همه فراگردهای اداره امور دریایی کشور تاکید داشته و هم دولت و هم بخش عمومی و خصوصی در توسعه پایدار و همه جانبه دریا اثرگذار هستند. نتایج این پژوهش نشان می دهد کشور دریایی ایران در مجاورت خلیج فارس، دریای عمان و سواحل مکران و دریای خزر از یک موهبت بزرگ برخوردار می باشد که نیاز به سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای حکمرانی دریامحور دارد تا نهضت‌های فکری، علمی؛ صنعتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بستر دریا و ارتباط با محیط دریا ایجاد شوند. دیگر یافته های پژوهش وجود ظرفیت‌های دریایی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را نشاندهنده مورد مغفول واقع شدن دریا در اختصاص منابع ارزی و ریالی صندوق توسعه ملی می باشد. با شناسایی ابعاد حکمرانی دریامحور می توان از منابع درآمدی صندوق توسعه ملی در عملیاتی شدن حکمرانی دریامحور استفاده کرد.

توجه به این نکته ضروری است که مسیر حرکت آتی صندوق‌های توسعه ملی، طراحی صحیح سیاست‌ها و راهبردهای سرمایه گذاری منابع صندوق است. بنابراین استفاده از تجارب دیگر کشورها در حوزه سرمایه گذاری در دریا می تواند راهنمای مناسبی برای ارائه راهبردهای سرمایه گذاری صندوق توسعه ملی باشد. با سرمایه گذاری توسط صندوق توسعه ملی تا بتوان انتظار توسعه پایدار دریامحور را در ایران شاهد بود و در گام دوم انقلاب عدالت بین نسلی از طریق دریا فراهم گردد.



شکل ۳: نقش صندوق توسعه ملی در حکمرانی دریامحور

منابع

- امامی، محمدرضا. (۱۳۹۱). توسعه دریا محور، نگاه راهبردی برای توسعه همه جانبه کشور، مجله بندر و دریا، شماره ۱۹۷.
- پورآقائی، عبدالله؛ فرجی راد، عبدالرضا؛ ملک حسینی، عباس. (۱۳۹۵). تحلیلی بر ایجاد شهرهای شبه جهانی در سواحل شمال ایران و نقش آن در توسعه منطقه‌ای، فصلنامه آمایش محیط، ۳۴: ۱۵۳-۱۳۱.
- حق شناس، هادی. (۱۳۹۴). آموزش و ترویج دریانوردی، مجله بندر و دریا، شماره ۲۲۳.
- داجمر، محمدحسین. (۱۳۹۱). جایگاه ممتاز "توسعه دریا محور" در اسناد بالادستی، ماهنامه بندر و دریا.
- عالی پور، علیرضا. (۱۳۹۷). ارائه نظریه تمدن دریایی به جای قدرت دریایی، بیستمین همایش صنایع دریایی ایران.
- مدنی، شیمیا. (۱۳۹۱). برآورد سهم مشارکت دریاها و اقیانوس‌ها در اقتصاد ملی ایران. نشریه اقیانوس شناسی، ۳(۱۲): ۸۷-۹۵.
- مehشواری، شریرام. (۱۳۷۲). توسعه پایدار و مدیریت دولتی در هند، فصلنامه مدیریت دولتی، ۲۳.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰). ضرورت تغییر و تحول در نسل بنادر کشور، معاونت مطالعات زیربنایی، گزارش چهارم، گروه حمل و نقل.
- Truman, Edwin. M (2008), a Blueprint for Sovereign Wealth Fund Best Practices, Peterson Institute. 2. Stevens,
- Paul (2003). Resource impact: Curse or blessing? (A literature survey), Journal of Energy Literature 9(1), pp. 3-42
- Griffith, J., & Ocampo, J. (2008). Sovereign Wealth Funds: A developing Country Perspective. Andean Development Corporation. London.
- ESCAP, Logistics Sector Developments, United Nations, New York, 2007.
- Sabatier, P. A., & Weible, C. M. (Eds.). (2014). Theories of the policy process. Westview Press.
- Weinthal, E. and Jones Luong, P (2006), Combating the Resource Curse: An Alternative Solution to Managing Mineral Wealth, Perspectives on Politics, 4(1): 35-53.